

قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت ایران

تألیف

دکتر روح‌اله کهن‌هرس نژاد

با دیباچه‌ای از:

دکتر داوود منظور

دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

سرشناسه : کهن هوش نژاد، روح الله
 عنوان و نام پدیدآور : قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت ایران / تألیف روح الله کهن هوش نژاد؛
 مشخصات نشر : تهران: خرسندی، ۱۳۹۶-
 مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص.
 شابک : 978-600-114-821-7
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت : کتابنامه. ص. ۱۳۷.
 موضوع : قراردادهای نفت و گاز - - ایران
 موضوع : Oil and gas leases - - Iran
 موضوع : نفت - - ایران - - قراردادها
 موضوع : Oil and gas leases - - Iran
 شناسه ان داده : منظور، داوود، ۱۳۴۳-، مقدمه نویس
 رده بنده سنگ : HD۹۵۷۶/الف۹۲۰۹۱۳۹۶
 رده بی بی سی : ۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۱۷۸۰۱



انتشارات خرسندی

تهران، خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لبافی نژاد - نرسیده به خیابان دانشگاه -

پلاک ۱۱۶ - واحد ۱

تلفن: ۵-۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵-۶۶۴۹۰۸۴

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت)، طبقه ۹ تلفن: ۶۶۷۵۵۹۱۰-۶۶۹۵۰۷۵۹
 فروشگاه شماره ۳: خ انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید رومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد،

طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی): ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت ایران

تألیف: دکتر روح اله کهن هوش نژاد

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ جلد

صفحه آرای: الهام پیدایی

قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-821-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۸۲۱-۷

فهرست مطالب

۱۳	 دیباچه
۱۵	 مقدمه
	فصل اول: تحلیل حقوقی بهره‌گیری از قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت
۲۱	 ایران
۲۲	 مقدمه
۲۳	 مروری بر ادبیات قراردادهای مشارکت در تولید
۲۵	 ساختار قراردادهای بالادستی در فواید نفت کشور
۱۳۹۱	 ساختار قراردادهای بالادستی در قانون نظام و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱
۲۶	
	بررسی جواز قراردادهای مشارکت در تولید در قانون وظایف و اختیارات وزارت
۲۸	 نفت
۲۹	 شبهه انتقال مالکیت در قراردادهای مشارکت در تولید
۳۳	 قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری
۳۴	 مفهوم مخالف قید «بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخزن»
۳۷	 یک بحث فقهی
	آموزه‌های قراردادهای مشارکت در تولید گذشته کشور در طراحی قراردادهای نفتی
۴۳	 جدید
۴۴	 قراردادهای مشارکت در تولید قبل از انقلاب اسلامی
۵۴	 عناصر اصلی قراردادهای مشارکت در تولید
۵۶	 جمع‌بندی فصل

فصل دوم: ارزیابی کارایی ساختار مالی قراردادهای مشارکت در تولید در مقایسه با سایر قراردادهای صنعت بالادستی نفت	۵۷
مقدمه	۵۸
انواع ترتیبات مالی قراردادهای بالادستی صنعت نفت	۶۱
سیستم امتیازی	۶۳
سیستم قراردادی مشارکت در تولید	۶۶
قراردادهای خدماتی بیع متقابل	۷۵
قرارداد IPC	۸۳
ملاحظات اساسی در طراحی رژیم مالی قراردادهای نفتی	۸۷
مقایسه رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل با قراردادهای مشارکت در تولید و IPC	۸۹
مدت قرارداد	۹۰
یکپارچگی مراحل تولید	۹۳
نظام مالیات بر درآمد	۹۵
هزینه ها	۹۶
جمع بندی فصل	۱۰۱
فصل سوم: تحلیل اقتصادی رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل و شبیه سازی با قراردادهای مشارکت در تولید و IPC	۱۰۳
مقدمه	۱۰۴
طرح های توسعه میدانی نفتی مورد مطالعه	۱۰۹
طرح توسعه میدان نفتی آزادگان	۱۰۹
طرح توسعه میدان نفتی سروش و نوروز	۱۱۰
طرح توسعه فروزان و اسفندیار	۱۱۱
مبانی نظری و روش	۱۱۲
محاسبه ارزش فعلی متغیرها در قراردادهای بیع متقابل	۱۱۳

۱۱۵	شبه سازی در قالب قراردادهای مشارکت در تولید و IPC
۱۱۶	هزینه‌ها
۱۱۷	بهره مالکانه
۱۱۸	نفت سود / دستمزد پیمانکار
۱۲۴	روند آتی قیمت نفت
۱۲۷	مالیات
۱۲۸	یافته‌ها
۱۳۱	نتیجه گیری
۱۳۷	منابع

دیباچه

قراردادهای سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز امروزه به مثابه ابزار سیاستگذاری هستند که می‌بایست از ابعاد مختلف حقوقی، اقتصادی، مالی، زیست‌محیطی و سیاسی بررسی شوند چرا که فعالیت‌های اکتشاف و توسعه و انعقاد قراردادهای نفتی در برگیرنده مسائل و چالش‌های دقیق حقوقی، فنی، مالی و سیاسی است و ارائه هرگونه راه‌حلی مستلزم ایجاد مدل میان منافع کشورهای تولیدکننده و شرکت‌های نفتی است. غالباً این سوال پرسیده می‌شود که یک کشور می‌بایست چه مدلی را برای بهره‌برداری از منابع نفتی خود برگزیند.

آیا از میان ده‌ها مدل مختلف در سراسر جهان، مدل برجسته و کاملی وجود دارد؟ پاسخ این است که هر کشوری می‌بایست مدل خاص خود را دنبال کرده و چارچوب مستحکم و منحصر بفردی را با توجه به شرایط و نیازهای خود ایجاد نماید. این مسأله حاکی از پیچیدگی قراردادهای نفتی و اهمیت علوم انسانی به ویژه اقتصاد و حقوق در این تحلیل‌هاست. در واقع در چند دهه اخیر مراکز دانشگاهی جهان شاهد ظهور و رشد فراگیر رشته‌های جدید و با اهمیتی در حوزه علوم انسانی ناظر بر موضوع انرژی و به‌طور خاص نفت و گاز در ابعاد حقوقی و اقتصادی بوده‌اند.

در این کتاب مولف تلاش کرده با رویکردی میان رشته‌ای به بررسی ابعاد حقوقی، اقتصادی و مالی قراردادهای نفتی بپردازد. وی در ابتدا با تحلیل حقوقی تفصیلی نشان داده بهره‌گیری از قراردادهای مشارکت در تولید براساس قوانین متأخر نفتی ایران مجاز است. از سوی دیگر با توجه به اینکه رژیم مالی حاکم بر قراردادها از مهمترین وجوه تفاوت قراردادها با یکدیگر است، ضمن احصای ملاحظات اقتصادی کارآمدی رژیم مالی به بررسی و مقایسه قرارداد بیع متقابل با قرارداد مشارکت در تولید از منظر آنها پرداخته و در

ادامه نیز میزان سهم‌بری طرفین قرارداد را در قرارداد بیع متقابل میادین نفتی منتخب محاسبه و با استفاده از تکنیک شبیه‌سازی، با حالت قراردادهای مشارکت در تولید مقایسه و این نتیجه حاصل شده که انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید در میادین نفتی منتخب نسبت به بیع متقابل برای کشور می‌توانست مطلوب‌تر باشد.

در پایان خاطر نشان می‌سازد که کتاب حاضر حاصل رساله دکتری در رشته مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز دانشگاه امام صادق (ع) به راهنمایی اینجانب بوده که برای رعایت مقتضیات انتشار به عنوان یک کتاب، تعدیلاتی در متن و چینش مطالب آن انجام شده است. امید است که این کتاب بتواند دستاوردهای مفیدی را در اختیار جامعه علمی و سیاست‌مداران حوزه بالادستی صنعت نفت قرار دهد.

دکتر داوود منظور

دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

براساس آمارهای موجود، ذخایر اثبات شده نفت ایران ۱۵۷ میلیارد بشکه بوده که از این حیث پس از کشورهای ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا در رتبه چهارم قرار دارد. بهره‌برداری در این ذخایر عظیم مستلزم جذب سرمایه‌گذاری‌های هنگفت است.

در حال حاضر، کشور ایران به سبب وضع تحریم‌های ظالمانه در سال‌های گذشته از سوی سازمان ملل متحد، ایالات متحده و اتحادیه اروپا، با خلأ عمیق سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز مواجه است. البته بحث ایجاد اصلاحات در مفاد و ساختار قراردادهای بیع متقابل با هدف حفظ هرچه بهر منافعی کشور و نیز تداوم حاکمیت ملی بر منابع هیدروکربوری با استفاده از تجارب صنعت نفت کشور و همچنین جلب سرمایه‌ها و فناوری‌های نوین در سال‌های اخیر همواره مطرح بوده است.

از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی نیز در قوانین نفتی که در سال‌های اخیر تصویب کرده، یعنی "قانون اصلاح قانون نفت" مصوب ۱۱ و "قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت" مصوب ۱۳۹۱، آغازگر تحولات قابل توجهی در این زمینه بوده است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این قانون، بند سوم بخش "ت" ماده (۳) است که به "جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده" اختصاص دارد.

در همین راستا، در سال ۱۳۹۲ کمیته بازنگری قراردادهای نفتی با حکم وزیر نفت تشکیل و متعاقب آن سمیناری تحت عنوان "هم‌اندیشی نظام جدید قراردادهای صنعت نفت" در اسفند ماه همان سال در تهران برگزار شد. در این سمینار، از ساختار کلی و نکات کلیدی

شروط قرارداد نفتی جدیدی که به وسیله کمیته بازرنگری تحت عنوان "قرارداد نفتی ایران Iran Petroleum Contract یا IPC" تدوین و پس از قراردادهای امتیاز، مشارکت در تولید و خدمت، از آن به عنوان قرارداد "نوع چهارم" یاد شده است، رونمایی شد؛ گفته شده که قرارداد نفتی مزبور در پاسخ به نارسایی‌ها و خلاهای موجود در نسل‌های مختلف قرارداد بیع متقابل و غیر جذاب بودن این نوع قرارداد از نقطه نظر شرکت‌های خارجی، تهیه و تدوین شده است.

همچنین نباید فراموش کرد که تحولات ساختاری در بازارهای نفت خام به وجود آمده و ورود بیع غیرمتعارف چشم‌انداز این بازارها را دگرگون ساخته است. ورود صنعت نفت عراق به عنوان سرست هم سرمایه‌گذاری، قرار گرفتن اکثر میادین بزرگ نفتی در نیمه دوم عمر خود و لزوم برداشتن افزایش ضریب بازیافت و فاصله قابل توجه ایران از همسایه‌های خود در برداشت میادین مشترک از دیگر عوامل مهم در محیط کسب و کار صنعت نفت ایران به شمار می‌آید.

بنابراین با عنایت به موارد فوق، لازم قایل‌ان نیز مبنی بر طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی، لزوم طراحی شکل جدید قراردادهای نفتی ایران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در یک تقسیم‌بندی کلی، رژیم‌های قراردادی در صنعت نفت به دو دسته کلی قراردادهای خدمت و مشارکت در تولید تقسیم می‌شوند. تفاوت اصلی میان قراردادهای خدمت و مشارکت در تولید در نحوه جبران خدمات پیمانکار است که به صورت نقدی یا به صورت نفت خام پرداخت شود. در قراردادهای مشارکت در تولید، پیمانکار حصه‌ای از نفت تولیدی را دریافت می‌نماید.

طی دو دهه اخیر، برای تأمین مالی صنعت نفت ایران از قراردادهای خدماتی بیع متقابل استفاده شده و قراردادهای مشارکت در تولید مورد توجه قرار نگرفته است. عمده انتقادهای وارده به قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت ایران، عدم امکان استفاده از این قراردادها به دلیل شبهه انتقال مالکیت براساس تفسیر مضیق از قانون اساسی بوده است.

از لحاظ سهم‌بری اقتصادی، قراردادهای مشارکت در تولید بدین خاطر مردود شمرده که در این گونه قراردادهای شرکت‌های نفتی سهم خود را برحسب بشکه دریافت نموده و در این صورت درآمد ایشان تابعی از نوسانات نفت خواهد بود و از آنجاییکه در بلندمدت روند قیمت سیر صعودی دارد، مشارکت در تولید همواره به نفع شرکت‌های پیمانکار است.

با این حال به نظر می‌رسد چارچوب قراردادهای مشارکت در تولید می‌تواند میان اهداف دولت، شرکت‌های نفتی توازن برقرار کرده و در صنعت نفت ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد.

شایان ذکر است نظام مالی حاکم بر قراردادها از مهمترین وجوه تفاوت قراردادهای یکدیگر است. برخی معتقدند که بیش از ۸۰ درصد مفاد قراردادهای بالادستی یکسان بوده و آنچه آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، نظام مالی این قراردادهاست. براین اساس، در راستای تحقق بهینه اهداف اقتصادی، شرکت‌ها حداکثرسازی منافع میزبان، شروط و عناصر مالی پیش‌بینی شده در قرارداد تأثیر بیشتری نسبت به نوع قرارداد خواهند داشت.

برای طراحی یک نظام مالی مناسب، باید عوامل گوناگون اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی مدنظر قرار گیرند، لکن کارکردهای اقتصادی را از قبیل حداکثر میزان برداشت از میدان، حداکثر سهم دولت صاحب نفت، کاهش هزینه‌ها، ایجاد تعادل میان ریسک و پاداش) اولویت دارند.

با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر با رویکرد میان رشته‌ای از در بخش اصلی حقوقی و اقتصادی تشکیل شده است. در بخش حقوقی نشان خواهیم داد اگرچه در بند سوم بخش ((ت)) ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ (طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده) الگوی قراردادی "مشارکت" به طور مطلق و عام مقرر شده و در ابتدا چنین تصویری پیش می‌آید که انواع این شیوه، نظیر مشارکت در تولید، مشارکت در سود و

مشارکت در سرمایه‌گذاری را در بر می‌گیرد، لکن به نظر می‌رسد بهره‌گیری از قراردادهای مشارکت در تولید مناسب‌ترین تفسیر برای این بند قانونی باشد چرا که اولاً در قراردادهای مشارکت در تولید مالکیت نفت درون مخزن و نفت تولیدی به شرکت خارجی منتقل نشده و از این حیث قید "بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن" رعایت می‌شود. ثانیاً ماهیت قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری به گونه‌ایست که به مشارکت در تولیدات نفتی نیز منجر می‌شود. ثالثاً بدلیل ویژگی‌های خاص بخش بالادستی عمدتاً قراردادهای مشارکت در تولید در بخش بالادستی و برای اهداف اکتشافی/توسعه‌ای و تولیدی کاربرد داشته است. رابعاً از منظر تفسیر قانونی باتوجه به سابقه انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و از طرفی متن قرارداد مذکور به عنوان قانون به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است، لذا به نظر می‌رسد که قانون ثبت، تعریف عناصر قراردادی مشارکت سابق بر این در قالب تصویب قانونی متن قراردادها منعاده اقدام نموده و از این سابقه ادبیات قانونی می‌توان برای تفسیر عنوان مشارکت بهره‌جست و ضمن رجوع به این قراردادها به تبیین عناصر آنها پرداخت. لذا ماحصل این بخش اثبات مجوز استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید در صنعت نفت ایران و استخراج عناصر کلی حاکم بر مکل جدید قراردادهای نفتی ایران خواهد بود.

در بخش اقتصادی ابتدا ضمن مرور انواع ترتیبات مالی قراردادهای نفتی، به بررسی چالش‌ها و الزامات طراحی رژیم مالی بهینه در صنعت نفت شامل پرداخت و ساختار مالی قراردادهای بیع متقابل و مشارکت در تولید (به همراه PC) را از منظر ملاحظات اقتصادی طراحی رژیم مالی بهینه مقایسه خواهیم کرد. از این رهگذر، ویژگی‌های شاخص میزان سهم‌بری دولت و پیمانکار به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی کارآمدی رژیم مالی برشمرده خواهند شد. براین اساس، در ادامه به تحلیل اقتصادی نظام مالی قراردادهای بیع متقابل خواهیم پرداخت و باتوجه به اطلاعات در دسترس، ارزش اسمی و واقعی (زمانی) سهم‌بری پیمانکار در قرارداد بیع متقابل در میادین نفتی آزادگان، سروش و نوروز، فروزان

و اسفندیار را محاسبه و با استفاده از تکنیک شبیه‌سازی، با حالت قراردادهای مشارکت در تولید و نیز IPC مقایسه کرده و نشان خواهیم داد انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید و نیز IPC در میادین موصوف نسبت به بیع متقابل برای کشور میزبان (ایران) می‌توانست مطلوب‌تر و کم هزینه‌تر باشد.

شایان ذکر است در تحلیل اقتصادی نظام مالی، از روابط ریاضی استفاده کرده‌ایم که ممکن است برای دانشجویان و صاحب‌نظران حقوقی نامأنوس باشد. لکن آنچه که اهمیت دارد متعالی بحث و نتایج حاصله است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. به‌علاوه آنچه که امروزه در در بحث قراردادهای صنعتی اهمیت دارد، مدیریت قرارداد است. وقتی سخن از مدیریت قرارداد به میان می‌آید، گاهی حقوق‌دانان بیان می‌کنند این یک موضوع مدیریتی است و اصولاً موضوعی حقوقی نیست اما باید گفت این رشته در واقع یکی از موضوعات بین رشته‌ای است. در حقیقت صنعت نفت و گاز هم اگر حقوق‌دانی موضوعات پایه را نداند نمی‌تواند به عنوان مشاور در صنعت نفت و گاز فعالیت کند. البته منظور ما شناخت موضوعات در حد اقتصاددان یا یک مهندس نیست بلکه سطحی از شناخت که او را نسبت به موضوع آگاه کند تا بتواند در قرارداد تسلط لازم را داشته باشد. در غیر اینصورت حقوق‌دان تبدیل به یک مشاور می‌شود که تنها در حالت بروز اختلاف در انتهای قرارداد به او رجوع می‌شود. اما اگر یک مشاور حقوقی دارای دانش فنی، اقتصادی و مالی باشد می‌تواند از پیش از شکل‌گیری قرارداد در پروژه حضور داشته باشد.

باتوجه به اینکه کتاب حاضر با اعمال تغییراتی در متن و چینش مطالب اصل رساله دکتری نگارنده در رشته مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز در دانشگاه امام صادق (ع) است، از صاحب‌نظر حوزه اقتصاد انرژی جناب آقای دکتر داوود منظور به عنوان استاد راهنما که نقشی کلیدی در راهبردی این رساله داشته و نیز حقوق‌دان برجسته جناب آقای دکتر مسعود امانی مشاور حقوقی رساله که نوآوری‌های حقوقی رساله مدیون مشورت با ایشان است، کمال تشکر و قدردانی را دارد.